

لئوناردا

[کمدی در چهار پرده]

پیوسته ی رنه بیورنسون

محمدرضا شکاری



۱۳۹۳

سرشناسه:	بیورنسون، بیورنستی یرنه، ۸۳۲ - (Bjørnson., Bjørnstjerne)
عنوان و نام پدیدآور:	لئونارد: کمدی در چهار پرده / نمایشنامه / بیورنستی یرنه بیورنسون؛ مترجم: محمدرضا شکاری.
مشخصات نشر:	تهران: افراز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	۱۱۲ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۸۱۰-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Three comedies [1974]
موضوع:	نمایشنامه‌ی تروژی-- قرن ۱۹ م.
شناسه‌ی افزوده:	شکاری، محمدرضا، ۱۳۶۷ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	PT
رده‌بندی دیویی:	۸۳۹/۸۲۲۶
شماره کتابشناسی ملی:	۲۷۱۶۴۸۰



انتشارات افراز

ناشر برگزیده‌ی تئاتر و ادبیات نمایشی

دفتر مرکزی: خیابان فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، پست افشار، پلاک ۱، واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

لئونارد

بیمه‌نامه به بیورنسون

مترجم: غلامرضا شکاری

نویت چاپ: اول، دوم، سوم، چهارم

طراح جلد: یاسمین محمدی / آتیه

آرایش صفحات: یاسمین محمدی

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / آتیه

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۶۸۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله،

چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	روش تحقیق، نمونه، پرسشنامه و آمارش
۲۳.....	نتیجه گیری

پیشگفتار

در تاریخ ادبیات نروژ، ما از سال ۱۸۳۲ تاکنون به چهار نویسنده، لقب «چهار بزرگ ادبیات» داده شده است. جوناس لی، الکساندر کیه‌لان، هنریک ایبسن و بیورنستی‌یرنه بیورنسون. پس از این‌ها لودویگ هولبرگ بود که نوع جدیدی از ادبیات را در نروژ پایه‌ریزی کرد. بعدها، کنوت هامسون و سیگرید اونست هم نام این کشور را بیشتر بر سر زبان‌ها انداختند و نوبل‌های دیگری نصیب نروژ کردند.

از بین «چهار بزرگ ادبیات» نروژ، در ایران، هنریک ایبسن از همه مشهورتر است. فکر نمی‌کنم از دو نفر اول تا به حال چیزی به فارسی ترجمه شده باشد و این برای اولین بار است که نمایشنامه‌ای از بیورنسون چهار می‌شود.

بیورنستی‌یرنه بیورنسون در سال ۱۸۳۲ در شهر کویکنه، استان استردالن در جنوب تروندهایم به دنیا آمد. پدرش کشیش بود و مادرش دختر مردی تاجر. اندکی بعد پدرش به نسه‌ت در رومس‌دال انتقال یافت و کودکی بیورنسون در این‌جا سپری شد.

در ۱۷ سالگی به دبیرستان هلترگ رفت و این دبیرستان، جایی بود که ایسن، لی و وینیه هم در آن درس می خواندند. با این که اوایل آرزوی شاعر شدن در سر داشت، شغل روزنامه نگاری را انتخاب کرد و در مطبوعات به نقد درام های روزگار خود پرداخت.

بیورنسون کار ادبی خود را با داستان های کوتاه شروع کرد و بعد به نوشتن رمان و نمایشنامه روی آورد. بعضی از مهم ترین نمایشنامه های او که در آنها به مشکلات اجتماعی زمان خود اشاره می کند این ها هستند: سکس (۱۸۷۵)، درباره ی بحران اقتصادی، سردبیر (۱۸۷۵)، درباره ی فساد مطبوعات و تأثیر و نفوذ آن در اذهان عمومی، پادشاه (۱۸۷۷)، درباره ی سواستوپول و رسیدن به دموکراسی، نظام جدید (۱۸۷۹)، درباره ی دروغ و فریب داران و افساد (۱۸۷۹)، درباره ی ریاکاری و قضاوت های زود هنگام و غلط، که در سال خود باعث جنجال های فراوانی شد.

او با انتشار و اجرای این نمایش به اوج موفقیت و شهرت رسید. در بین اهالی ادب نروژ دوستان زیادی پیدا کرد که معروف ترین آن ها هنریک ایسن بود. هنگامی که نمایشنامه ی اشباح ایسن در سال ۱۸۸۱ جنجال آفرید و تا دو سال برای اجرا شدن معطل ماند و انتشار آن سوند اجرا شد، همه علیه ایسن متحد شدند: هم کلیسا و هم مردم او. نمایشنامه اش را طرد کردند، فقط بیورنسون بود که در دفاع از او به پا خاست و پشتیبانش شد. خود او بعدها در سال ۱۸۸۲ تحت تأثیر اشباح، داستان جدیدی به نام غبار نوشت و در آن از زبان راوی اول شخص، درباره ی گذشته ها و گذشته ها و نیاکان و تأثیرات آن در زندگی امروز، سخن به میان آورد.

بیورنسون و ایسن بیش از این ها بر یکدیگر تأثیر گذاشته اند. ایسن نشر آثار خود را مدیون بیورنسون است، چون او باعث شد فردریک هگل با

ایسن آشنا شود و نمایشنامه‌های او را چاپ کند. با این حال ایسن در سال ۱۸۶۷ از او روی برمی‌گرداند و از در مخالفت با او درمی‌آید. هرچند دوباره در سال ۱۸۸۴ به دیدن هم می‌روند و حتا فرزندان خود را به هم می‌دهند و آنها فرزند قانونی ایسن. با دختر بیورنسون ازدواج می‌کند.

کایتان مانسانا (۱۸۷۹)، پرچم‌ها بر فراز شهر و بندر (۱۸۸۴) که با نام میثاق کورت‌ها به انگلیسی ترجمه شده، و موهای آبسالوم (۱۸۹۴) از زمان‌های دور هستند. نمایشنامه‌ی دستکش (۱۸۸۳) که با اصلاحات و تعدیل آبی افراشد، فراسوی قدرت انسان در دو بخش (۱۸۸۳) و (۱۸۹۵)، و تراژدی باسیل لانگه و تورا پارسبرگ (۱۸۹۸) از دیگر آثار اوست.

آکادمی نوبل در سال ۱۹۰۱ جایزه‌ی خود را به بیورنستی‌یرنه بیورنسون اهدا کرد. او در سخن‌رانی سالانه خود را نویسنده‌ای اجتماعی شمرد و شکسپیر، مولیر و هولبرگ را جزو بزرگان ادب کرد و ویکتور هوگو را بت خود خواند. در بزرگی و اهمیت بیورنسون همین پس که سرود ملی نروژ «بله، ما این سرزمین را دوست داریم» را او سرود است. بیورنسون در سال ۱۹۱۰ در پاریس درگذشت.

گنورگ براندس، منتقد معروف، در کتاب خود نوشته: «عشق ایسن به اندیشه، برابر با عشق بیورنسون به انسان است.»

در آخر، بار دیگر از انتشارات افراز به‌خاطر چاپ این کتاب تشکر می‌کنم که اجازه داد بیورنسون برای اولین بار به خوانندگان ایرانی معرفی شود.

محمدرضا شکاری

جمعه بیست و هفتم آبان ماه ۱۳۹۰

در پایان فهرست منابعی که در تهیه‌ی این مطلب استفاده کردم را می‌آورم تا
علاقه‌مندان بیشتر از آن‌ها استفاده کنند:

۱. ایسن آشوب‌گرای، نوشته‌ی امیرحسین آریان‌پور.

Essays on Scandinavian Literature(1895) By Hjalmar
Boyesen

Bjørnstjerne Bjørnson (1910) By William Morton Payne ۳

www.ketab.ir